

چگونگی بهره برداری از منابع نفت و گاز مشترک واقع در مرز بین المللی از دیدگاه حقوق بین الملل^۱

احمد سزاوار^۲

چکیده:

حدود جغرافیایی هر کشور را مرزهای آن کشور مشخص می کند مرز حدفاصل حاکمیت هر دولت با دولت همجوار و فضاهاى خارج از حاکمیت ملی است. مشخص کردن مرزها در روابط بین المللی حائز کمال اهمیت است. یکی از اختلافات مهم بین المللی اختلافات مرزی است. اگرچه طبیعت این منابع به گونه ای است که مرزهای سیاسی کشورها را نادیده می گیرد ولی برای تأمین رژیم حقوقی حاکم بر اکتشاف و بهره برداری از این منابع به نوعی با مرزهای کشورهای ذی ربط با منابع طبیعی موردنظر در ارتباط است. در اساس، بین المللی بودن موضوع مورد بحث به خاطر عنصر مرزی است که منابع در نقطه تلاقی آن قرار می گیرند یا از آن ها عبور کرده و از کشوری به کشوری می روند، مسئله مورد توجه تکلیف دو یا چند دولتی است که منبع در مرزهای آن ها استقرار یافته و هر یک می توانند با عملیات حفاری از قسمت خود از منبع مشترک نفت یا گاز بهره برداری کنند.

واژگان کلیدی: منابع نفت و گاز، مرز بین المللی، منابع مشترک، حقوق بین الملل.

^۱ - دریافت: ۱۳۹۹/۳/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۰

^۲ - استاد دانشگاه و دانش آموخته دکتری حقوق. Sezavara745@gmail.com

مقدمه

سابقه تاریخی بهره برداری مشترک از میادین نفت و گاز به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ایالات متحده آمریکا برمی گردد. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نیز در زمره مسائل مربوط به فلات قاره به این موضوع پرداخته شد که معطوف به معادن نفت و گاز و ذغال سنگ در طول مرزهای کشورها بود که به عنوان مثال می توان به معاهده بین بلژیک و هلند در خصوص ترسیم مرزهای معدن کاری مربوط به معادن زغال سنگ بین دو کشور اشاره کرد که در ۲۳ اکتبر ۱۹۵۰ بین دو کشور منعقد گردید. همچنین می توان به موافقتنامه عربستان سعودی و بحرین در سال ۱۹۵۸ و معاهده بین هلند و آلمان در خصوص معادن زغال سنگ واقع در شرق خط مرزی آلمان و هلند در سال ۱۹۵۲ و معاهده ۱۹۶۰ بین دو کشور در خصوص اصلاح و اجرای معاهده ۱۹۵۲ اشاره نمود و معاهده موسوم به Ems Estuary بین دو کشور جهت تشویق به استخراج کلیه مواد معدنی بین دو کشور اشاره نمود که در هشتم آوریل ۱۹۶۰ بین دو کشور جهت تشویق به استخراج کلیه مواد معدنی جامد و مایع و گاز در منطقه Ems Estuary منعقد شد. نمونه دیگر در اروپا موافقت نامه اتریش و چکسلواکی در خصوص منابع مشترک نفت و گاز میان دو کشور است که در ۲۳ ژانویه ۱۹۶۰ منعقد شد. (Miyoshi, ۱۹۹۹, p۱)

علاوه بر رویه عملی مذکور میان دولت ها، مفهوم توسعه مشترک در رأی فلات قاره دریای شمال در سال ۱۹۶۹ توسط دیوان بین المللی دادگستری شناسایی شد که آن را تحت عنوان «رژیم صلاحیت مشترک استفاده و استخراج مشترک منابع در مناطق مورد اختلاف یا بخش هایی از آن» اعلام نمود. اما می توان تجلی عملی آموزه های این رأی دیوان را در موافقت نامه ۱۹۷۴ توسعه مشترک میان ژاپن و کره جنوبی یافت. این دو کشور در مذاکرات خود جهت تحدید حدود فلات

قاره با شکست مواجه شدند و بنابراین مبادرت به انعقاد معاهده توسعه مشترک نمودند. پنج سال بعد یادداشت تفاهم منطقه توسعه مشترک در خلیج تایلند منعقد شد که متعاقب تلاش ناموفق مالزی و تایلند جهت تعیین حدود دریایی بود. متعاقب این اقدامات یک مرکز موسوم به مرکز شرق - غرب در هاوایی تشکیل شد که کار گروهی مرکب که کارشناسان فنی و حقوقدانان بود و تا سال ۱۹۸۹ پنج نشست در مناطق مختلف جهان برگزار کرد. امروزه می توان گفت در بسیاری از مناطق جهان از جمله جنوب شرقی آسیا، خاورمیانه، قاره آفریقا، اروپا، آمریکای لاتین و آمریکای شمالی، رویه های مشخصی در جهت بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز در مدل های یکی سازی و توسعه مشترک شکل گرفته است. یکی از دلایل این اقدام دولت ها، به عنوان راه حل موقت در هنگام وجود اختلافات مرزی یا ادعاهای متقابل، منافع اقتصادی ناشی از تعجیل در بهره مندی از این منابع می باشد. یکی از عرصه های اختلاف نظر صاحب نظران، مفاهیم فنی و حقوقی ناظر بر منابع طبیعی مشترک به طور عام و منابع مشترک نفت و گاز به طور خاص است. در ادامه این مطلب مهمترین تعاریف مورد استفاده در این حوزه مورد کنکاش قرار می گیرد.

۱- منابع نفت و گاز مشترک واقع در مرز خشکی

اختلافات مرزی کشورها در قلمرو خشکی گرچه پایان نیافته ولی طی سالیان طولانی گذشته کاهش یافته است بسیاری از موافقت نامه های مرزی بدون توجه به منابع طبیعی سیال زیرزمینی منعقد شده اند و علت این امر نیز تقریباً روشن است چون از کشف نفت و گاز به عنوان عمده ترین منابع سیار زیرزمینی بعد از آب کمتر از ۱۶۰ سال می گذرد و نیز تا اول قرن بیستم به این منابع توجه زیادی نمی شد. در هر حال به لحاظ ناشناخته بودن منابع نفت و گاز تعیین حدود مرزها در خشکی بدون توجه به عامل گفته شده انجام گرفته است و لذا هنگام فعالیت های اکتشافی و بهره

برداری از منابع نفت و گاز هر کشور باید خط مرزی که حدود جغرافیایی آن کشور را از قلمرو حاکمیت کشور دیگر یا فضاهای خارج از حاکمیت ملی تعیین کرده، رعایت نماید و به قلمرو کشور دیگر تجاوز ننماید. (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۴۷)

غرض از بیان مطالب بالا این است که در موافقت نامه های تحدید حدود مرزی در قلمرو خشکی حتی آن ها که در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی پس از خاتمه قیومیت و کسب استقلال در آفریقا به شکل هندسی ترسیم شدن نیز پیش بینی نشده است. «تحدید کشورهای رسته از استعمار در آفریقا بر اساس ثنت تعیین و تثبیت مرزها بر مبنای حدود قدیم اداری داخلی دولت پیشین که از عملکرد قرن ۱۹ در آمریکای لاتین و مرکزی بدست آمده انجام گرفت». که چنانچه در محل تلاقی مرز کشورها در زیرزمین به ساختار زمین شناختی واحدی برخوردار شود که در آن منابع نفتی قابل بهره برداری از هر دو سوی خط مرزی امکان پذیر باشد دولت های همسایه با چه تکالیفی مواجه خواهند بود. (کک دین، ۱۳۸۴، ص ۷۶۶)

۲- منابع نفت و گاز مشترک واقع در مرز دریایی و منابع نفت

توجه سنتی دولت ها به دریاها عموماً به امور امنیتی تا حمل و نقل و ماهیگیری در فواصل نزدیک به ساحل خود خلاصه و محدود می شد. (Gunther, ۱۹۸۹, p ۱۸۷) در این دوران و بیش از آن تعیین محدوده های دریایی و حقوق حاکم بر آن پیچیدگی های زیادی را به همراه نداشت و عمدتاً کشورهای قدرتمند دریایی به اطلاق اصل آزادی دریاها پای می فشردند اما پی بردن به منابع مختلف جاندار و غیرجاندار در آب دریاها و بستر و زیربستر دریاها و پیشرفت در تکنولوژی بهره برداری از منابع دریایی و نیازهای رو به افزایش کشورها به استفاده از آن منابع، باعث افزایش اعمال

حاکمیت کشورهای ساحلی بر پهنه های آبی گردید و در نتیجه اختلافات مرزی دریایی را تجدید نمود.

در خصوص دریاها، هنوز هم تعیین حدود مناطق دریایی به طور عام و بین کشورهای مجاور و مقابل به طور خاص با معضلات و پیچیدگی هایی مواجه است. «تا سال ۲۰۰۶ فقط ۱۶۰ مورد از ۴۰۰ مورد مرز دریایی بین کشورها رسماً مورد توافق قرار گرفته است». (Peter, ۲۰۰۶, p۵۶۴).
به نقل از پرویز کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۵۵)

گاه ممکن است منبع نفت و گاز در زیر تقاطع مرزهای دو کشور مجار یا مقابل وجود داشته باشد که به نحوی که هر یک از دو دولت بتوانند با حفاری از طرف خود نسبت به خط مرزی دریایی، از مخزن نفتی بهره برداری کند. در چنین وضعیت های موافقت نامه های تعیین حدود مرز دریایی بین کشورهای مربوط اغلب متضمن رئوس ضوابط و آیینی است که در صورت یافت شدن یک مخزن مشترک نفت یا گاز باید مورد تبعیت قرار گیرند. در این بحث مهم است که در صورت یافت شدن مخزن مشترک یا فرامرزی نفت - گاز، دولت های دارای مخازن مشترک را ملزم به همکاری و یافتن موثرترین راه های بهره برداری و تقسیم منافع حاصل از این قبیل منابع مشترک کرد. (Rainer, ۱۹۷۹, p۲۳۳ به نقل از پرویز کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۵۵).

اولین موافقت نامه تعیین که به ترتیب گفته شده، تنظیم شد و سرمشقی برای کشورهای دیگر در موارد مشابه گردیده بین نروژ و انگلستان تا سال ۱۹۶۵ در خصوص تعیین حدود فلات قاره دریای شمال منعقد شد ماده ۴ این موافقت نامه که به «شرط یا قید» نمونه یافت شدن مخزن مشترک در مرز دو کشور معروف شده است و مقرر می دارد اگر یک مخزن نفتی واحد در زیر خط مقسم مرز دو کشور یافت شود که از هر دو سوی خط تقسیم کننده قابل استخراج باشد، دو دولت

تلاش خواهند کرد تا به موافقت نامه ای در خصوص بهره برداری موثر از مخزن و نحوه تسهیم و تقسیم آیدات آن دست یابند.

۳- تاثیر منابع نفت مشترک در تحدید حدود مرزی

عموماً در مواقعی که دولت ها اقدام به تحدید حدود مرزها می کنند اگر در منطقه، منابع نفت وجود نداشته باشد و یا منابع موردنظر وجود داشته باشد ولی به علت تأخیر دانش بشری در شناخت آن منابع و یا ناکافی بودن امکانات تکنولوژیک بهره برداری، اعتنایی به آن نشود منابع نفت تأثیری در تحدید حدود ندارند. اما در مواقعی که چنین آگاهی وجود دارند و امکانات بهره برداری در هنگام تحدید حدود در دسترس باشد یا احتمال رود به زودی به دست آید منابع نفت و گاز در تحدید حدود مؤثر هستند. البته این تأثیر در مواردی مثبت و گاه منفی است دو نمونه آموزنده در این زمینه وجود دارد که یکی مربوط به روابط مکزیک و آمریکا و دیگری راجع به ژاپن و چین است. (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۵۵) مکزیک و آمریکا در سال ۱۹۷۶ میلادی در مورد مرز ۲۰۰ مایل دریایی خود در خلیج مکزیک یادداشت دیپلماتیک مبادله کردند در سال ۱۹۷۸ دو طرف معاهده ای تنظیم کردند و براساس آن سنای مکزیک معاهده را تصویب کرد اما تصویب معاهده در سنای آمریکا با مانع مواجه شد. دو سال بعد کمیته روابط خارجی سنای آمریکا جلسه ای برای بررسی معاهده تشکیل داد و در آن جلسه یک زمین شناس معروف اعلام کرد معاهده مغایر با منافع آمریکا است. وی ادعا کرد که محدوده ۲۰۰ مایل مکزیک باید از سواحل فلات مکزیک اندازه گیری شود نه سواحل برخی جزایر موجود در خلیج مکزیک، در غیر این صورت مناطق زیادی که بالقوه دارای مخازن نفت و دیگر معادن می باشد به مکزیک تعلق خواهد گرفت. در سال ۱۹۸۱ مقرر شد گروهی به ریاست مرجع تحقیق زمین شناسی دولت آمریکا مرکب از گروه های تخصصی احتمال سنجی نفت، تخمین منابع

نفتی، منابع معدنی و تکنولوژی حفاری آب های عمیق تشکیل و پس از بررسی موضوع مراتب را به سنا گزارش دهند. گروه مسئول گزارش خود را ارائه کرد و وجود نفت و سایر منابع معدنی را تأیید کرد. در نتیجه سنای آمریکا تا مدت ها از تصویب معاهده خودداری کرد. نکته جالب این که در گزارش هیئت عالی رتبه آمریکا در مورد چالش های انرژی آمریکا که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد تصریح شده است که یکی از مناطقی که می توان برای جبران کسری انرژی آمریکا روی آن حساب کرد. خلیج مکزیک است توجه به این عبارت در گزارش بسیار قابل تأمل است. «با توجه به مقررات فعلی منابع نفتی موجود در خلیج مکزیک می تواند بخش قابل ملاحظه ای از کسری نفت را در آینده جبران نماید.» (ترجمه گروه مترجمان، ۱۳۸۲، ص ۳۷) آخرین بررسی ها نشان می دهد در ۹ ژوئن سال ۲۰۰۰ معاهده فوق الذکر در مجلسین آمریکا تصویب و در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱ لازم الاجرا و در ۲۱ آوریل ۲۰۰۱ نزد دبیر کل ملل متحد ثبت شده است. مواد ۴ و ۵ این موافقت نامه درباره یافت شدن منبع نفت در محدوده ی مرزی دو کشور فاصله دارد به مدت ۱۰ سال از تاریخ لازم الاجرا شدن موافقت نامه تکالیفی را برای همکاری در اکتشاف و بهره برداری بین دو کشور تعیین کرده است.

منابع نفتی موجود در منطقه اختلافی بین چین و ژاپن باعث شده دو کشور نتوانند در مورد تحدید حدود مناطق آبی به توافق برسند و گاه تا مرز بکارگیری نیروی نظامی و زیر دریایی علیه یکدیگر پیش بروند. (Selig s, ۲۰۰۶, p۳-۵)

موافقت نامه های تحدید حدود نروژ و انگلستان در سال ۱۹۶۵ که طبق آن موافقت نامه های متعدد بهره برداری اشتراکی از میادین نفت و گاز مشترک در تقاطع مرزی دو کشور منعقد شد و نمونه اخیر آن در سال ۲۰۰۵ می باشد و موافقت نامه تحدید حدود ونزوئلا و ترینیداد و توباگو در

۱۹۹۰ و موافقت نامه بهره برداری اشتراکی از منابع هیدروکربنی مشترک مرزی بین دو کشور در سال ۲۰۰۳ نمونه های مثبت تأثیر منابع نفت و هیدروکربنی مشترک در تحدید حدود مرزی هستند. تأثیر منفی منابع گفته شده در به تأخیرافزادن انعقاد موافقت نامه های تحدید حدود نیز قابل توجه است نمونه بارز این وضعیت در روابط چین و ژاپن، یونان، ترکیه، چین و کره جنوبی در کاملترین حد آن دیده می شود.

یکی دیگر از موارد تأثیر منابع فرامرزی در تحدید حدود که به طور کلی با موارد قبلی متفاوت است مربوط به وقتی است که اختلافات مرزی به مراجع داوری یا قضایی ارجاع می شود. با این که تاکنون هیچ مرجع داوری و قضایی بدون درخواست صریح طرفین، رأساً اقدام به تحدید حدود مرزی دو کشور نکرده است. ولی معیارهایی را برای انجام این مهم تأیید و اعلام می نماید تا طرفین اختلاف خود را با لحاظ معیارهای تعیین شده در رأی مرجع مذکور به موجب موافقت نامه تحدید حدود فیصله دهند.

در معیارهایی که مراجع حل اختلافات هستند، شاهد تحول مختصری هستیم به این معنا که در آرای قبلی و رای داوری و اختلاف انگلستان و فرانسه صراحتاً اعلام می شود که منابع طبیعی نقش در اوضاع و احوال و اختلاف انگلستان و فرانسه صراحتاً اعلام می شود که منابع طبیعی نقش در اوضاع و احوال خاص موثر در تحدید حدود ندارند ولی در قضیه لیبی و تونس منابع نفت و گاز به عنوان اوضاع و احوال موثر در تحدید حدود در نظر گرفته می شوند.

در این قضیه دیوان بین المللی دادگستری به منابع نفت و هیدروکربنی مشترک به عنوان اوضاع موثر در تحدید حدود توجه دارد ولی مشخص نکرد که مرادش از منابع نفت، چاه هایی حفر

شده می باشد یا مخزن نفت. در داوی یمن و اریتره نیز تأثیر منابع طبیعی در تحدید حدود به عنوان شرایط موثر مورد توجه قرار گرفته است. (پرویز کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۵۷)

دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اختلاف دریای کامرون و نیجریه اعلام کرد که به موثر بودن عملیات نفتی در قضیه حاضر به عنوان عاملی که باید در تحدید حدود در نظر گرفته شود اعتقاد ندارد.

۴- تأثیر تحدید حدود مرزی در منابع مشترک نفتی

در مواردی که مرزها تحدید حدود شده باشند و اختلاف مرزی در میان نباشد تعیین تکلیف منابع نفت مشترک آسان تر است. در این قبیل موارد با دو وضعیت مواجه خواهیم بود.

اول: در موافقت نامه های تحدید حدود به شرط یافت شدن ساختار واحد زمین شناختی و منبع مشترک اشاره شده باشد که در این صورت دو دولت باید تلاش کنند با انعقاد موافقت نامه بهترین روش های موثر و کارآمد را در بهره برداری از این منابع بکار گیرند. در چنین حالتی بهره برداری یک جانبه از مخزن مشترک یا عدم رعایت ضوابط مقرر در موافقت نامه تخلف قراردادی محسوب می شود.

دوم: در موافقت نامه تحدید حدود مرز دریایی شرط گفته شده پیش بینی نشده باشد. در این صورت نظریات مختلفی در مورد روابط دو دولت ذی نفع در ارتباط با منبع مشترک وجود دارد.

اولاً: عده ای از علمای حقوق، ضابطه بین المللی موجود یا در حال شکل گیری در مورد بهره برداری از این منابع را در مواردی اختصاص می دهند که تحدید حدود مرزی انجام گرفته باشد.

(Rainer, ۱۹۷۹, p ۲۱۷)

ثانیاً: مدل بهره برداری رایج از منبع مشترک در مواردی که تحدید حدود انجام گرفته «یک کاسه ساز» یا «آحاد سازی» است و اختصاص آیدات براساس میزان ذخایر واقع در مخزن در قلمروی هر طرف محاسبه خواهد شد. البته توافق بر خلاف آن هم بی اشکال است. اما در مواردی که تحدید حدود صورت نگرفته باشد، بهره برداری از منبع با روش های توافقی گوناگون انجام می شود. که ذیلاً توضیح داده می شود اختصاص آیدات، چنانچه توافق در میان نباشد. معمولاً بالمنافسه خواهد بود. (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)

به طور کلی می توان گفت در مواردی که مرزها تحدید حدود نشده اند موافقت نامه های تعیین مناطق بهره برداری مشترک به عنوان جایگزینی موقت برای موافقت نامه های تحدید حدود مرزی توصیه شده و مورد پیروی قرار گرفته است. این نوع توافقتنامه ها دارای تنوع بیشتری هستند. در مواردی که مرزها تحدید حدود شده اند به لحاظ این که حصه هر یک از دولت های شریک در منبع تا حد زیادی قابل شناسایی و اختصاص است از نمونه موافقتنامه های آحاد سازی بین المللی که تنوع کمتری دارند استفاده شده است.

در مناطقی که تحدید نشده است، کارآمدترین گزینه برای بهره برداری از منابع طبیعی موجود تأمین منطقه اختلافی به عنوان منطقه توسعه مشترک است. چنین منطقه مشترکی می توان زمینه تعاملات دقیق تر برای برنامه ریزی باشد هرچند که در مقام عمل، اجرای آن و پذیرش طرفین بویژه اگر طرفین از نظر توان علمی و فنی در یک سطح باشند بسیار دشوار است. مهمترین نمونه های توافقتنامه های بهره برداری مشترک برای منابع مشترک فرامرزی که در محل وقوع آن ها تحدید حدود مرزی صورت نگرفته را می توان به صورت زیر بیان کرد.

دسته اول: موافقت نامه های متضمن اعطای امتیاز و وضع مقررات در دست دولت های طرف موافقت نامه: در این روش منطقه بهره برداری مشترک به نواحی فرعی تقسیم شده و هر دولت به یک یا بیش از یک صاحب امتیاز برای اکتشاف و استخراج از ناحیه فرعی با صاحب امتیاز دولت دیگر طبق یک توافقنامه عملیات مشترک اختیار می دهد که شرایط خاص خود را دارد. و مواردی نظیر، مالکیت، مالیات، و... به صورت مفصل مورد بحث و تأیین تکلیف قرار می گیرد.

دسته دوم: موافقت نامه های خالق مقام فراملی است که یک مقام مشترک از دو کشور تعیین شده و همه حقوق بهره برداری از منابع به وی سپرده می شود و این مقام فراملی به بهره برداری پرداخته و کلیه امور آنجا رسیدگی کرده و منافع را به نسبت تقسیم می کند. انتخاب این مقام دارای روند دقیق و خاصی است. (نوری، ۱۳۸۷، ص ۳ و ۲)

۵- ضرورت حفاظت وحدت نسبت به مخزن مشترک

منابع طبیعی مشترک منابعی هستند که در حالت طبیعی و بدون دخالت انسان از مرزهای زمینی یا دریایی یک کشور عبور می کنند و وارد قلمرو کشور دیگری شوند. در عین حال اصطلاحاتی چون منابع طبیعی فرامرزی و منابع طبیعی بین المللی برای تبیین این مفهوم بکار می روند این واژگان در کلیت خود شامل منابع طبیعی واقع در مناطق مورد اختلاف کشورها نیز می شوند. اگرچه حقوق بین المللی حق مالکیت دولت ها بر منابع طبیعی واقع در فلات قاره را به رسمیت شناخته است. اما در خصوص منابع طبیعی مشترک بین دو و یا چند دولت خلاء حقوقی قابل توجه ای وجود دارد. با وجود این رویه دولت ها و مراجع بین المللی و دکترین حقوقی حاکی از وجود یک قاعده حقوقی شکلی بر مبنای همکاری دولت های ذی ربط در بهره برداری از این منابع است.

(میرعباسی، ۱۳۹۰، ص ۱)

شکل گیری اولیه اصل لزوم حفظ یکپارچگی مخزن به «ژیدل» نسبت داده شده است. کسی که احترام به حفاظت از یکپارچگی مخزن را به عنوان ابزاری برای حل و فصل شکل مخازن نفتی مشترک که در مرز بین دولت ها واقع می شود، ارائه کرد. توصیف لاگنی (Lageni) از ویژگی طبیعی مخزن مشترک نفت بالا را روشن می کند. این مخازن با ترکیبی از تعادل فشار سخره ای، فشار گاز و فشار آب تحتانی شناخته شده اند، به نحوی که استخراج نفت در یک نقطه به طور قطع شرایط را در کل مخزن تغییر می دهد یک نتیجه محتمل در این موارد عبارت است از آن که دیگر دولت ها نمی توانند محتوای معدن را از قسمت خودشان از مخزن استخراج کنند حتی اگر دولت اول فقط آن بخش از مخزن را که اساساً در قلمرو خشکی و یا فلات قاره قرارداد استخراج کند. بنا به ویژگی طبیعی گفته شده برای مخازن نفتی، موافقت نامه های بهره برداری مشترک و آحاد سازی فرامرزی اصولاً برای حفاظت از یکپارچگی این قبیل مخازن در چنین شرایط و اوضاع و احوالی طراحی شده اند تا در عین رعایت حقوق حاکمه ذاتی دولت های ذی ربط، چنین مخازنی فقط در صلاحیت یک دولت قرار نگیرد.

مخازن نفتی فرامرزی را می توان مال مشترک دانست و کشورهای ذی نفع باید با حفظ یکپارچگی مخزن مشترک، در تلاش برای دستیابی به موافقت نامه ای برای بهره برداری از آن برآیند. (کاشانی، ۱۳۸۹، ص ۵۸-۵۹)

ایده ی حفظ یکپارچگی مخزن ایده ای است که از حقوق بین الملل رودخانه ها سرچشمه گرفته و با تحدید حدود خاص ارتباطی نداشته است در واقع تحدید حدود دریایی موضوع واقعی و اصلی نیست به نحوی که با ترسیم یک خط مرزی واحد شکلی را که از پیدا شدن یک مخزن در زیر خط مرزی بروز می کند بتوان حل کرد. نظریه سهم منصفانه، آنگونه که در حقوق رودخانه ها و

کانال های بین المللی توسعه یافته است و دلالت بر این دارد که منافع مشروع دولت های ذی ربط باید در مقابل یک دیگر مطابق شرایط و اوضاع و احوال هر مورد متوازن و متناسب باشد عیناً در آنجا نیز اعمال شود. (David, ۱۹۹۹, p۷۸۰)

از لحاظ نفتی برای انجام عملیات حفاری و بهره برداری از یک مخزن نفتی شناسایی موقعیت کل مخزن و در نظر گرفتن اطلاعات و محاسبه جزئیات امری ضروری است اما در مورد مخازن نفتی مشترک میان ایران و دیگر کشورهای ساحلی خلیج فارس این آگاهی کمتر وجود داشته و اساساً هیچ گونه تبادل اطلاعات قابل توجهی نیز در میان کشورهای صاحب مخزن مشترک صورت نمی گیرد کشورهای مذکور با هدف سود بیشتر به طور بی رویه و خلاف اصول مهندسی و فنی صنعت نفت مشغول بهره برداری از مزره های مشترک هستند که باعث تخریب مخزن و کوتاهی عمر آن و نزول شاخصه های فنی مخزن برای برداشت صحیح و حداکثری را در پی خواهد داشت. بنابراین زمانی فرا خواهد رسید که زیان هنگفتی متوجه کشورهای صاحب مخزن خواهد شد. برای جلوگیری از این فاجعه و خسارتی که بر منافع ملی کشورهای ساحلی منطقه خلیج فارس از جمله ایران وارد می شود، باید با جدیت و سرعت هرچه بیشتر چاره اندیشی کرد به نظر می رسد که بهترین روش در این زمینه بهره گیری از برداشت هماهنگ و با مدیریت واحد از مخازن مشترک باشد. (درویش، ۱۳۸۶، ص ۱۸۲)

نتیجه گیری

کشور ما دارنده دومین ذخایر گاز و سومین ذخایر نفت جهان است. بسیاری از این ذخایر در مناطق دریایی جنوب و شمال کشور قرار داشته و شمار قابل توجهی از این میادین با کشورهای همسایه مشترک بوده یا اینکه موضوع اختلاف حاکمیت ایران و سایر کشورها می باشند. این در حالی

است که در دریای مازندران توافقی در زمینه تحدید حدود دریایی به عمل نیامده و در کنار تداوم مذاکرات مربوط به تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران، بهره برداری یک جانبه از میداین نفت و گاز آن کماکان ادامه دارد. این دو منطقه از جهان از حیث ارتباط با ایران دارای اهمیت فراوانی جهت مطالعه هستند. علاوه بر آن، در منطقه دیگری از گیتی یعنی خلیج مکزیک به دلیل مجاورت با ایالات متحده آمریکا به عنوان خاستگاه اولیه بسیاری از قواعد حقوقی مربوط به میداین مشترک نفت و گاز و مهد مالکیت خصوصی بر این منابع، می تواند ارزش شایانی جهت پژوهش داشته باشد. نکته قابل توجه آن است که اصل موضوع یعنی رژیم حقوقی بهره برداری از میداین مشترک نفت و گاز دارای ابهامات زیادی بوده و محل بحث و مناقشه نظری میان حقوقدانان است.



منابع

درویشی، فرهاد؛ نجومی، احسان (۱۳۸۶)، مخازن مشترک هیدروکربوری ایران در خلیج فارس؛ چالش ها و راهکارها، نشریه جغرافیا، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳ بهار و تابستان ۱۳۸۶.

کاشانی، جواد (۱۳۹۸)، منبع مشترک نفت و گاز از منظر حقوق بین الملل، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، تهران، شهر دانش.

کک دین، نگوین، آلن پله و پاتریک دین (۱۳۸۴)، حقوق بین الملل عمومی، ترجمه حسن حبیبی، دو جلدی، تهران، انتشارات اطلاعات.

گروه سیاست ملی انرژی ایالات متحده آمریکا (۱۳۸۲)، سیاست ملی انرژی، ترجمه گروه مترجمان موسسه بهینه سازی مصرف انرژی، تهران، نشر ذره.

میرعباسی، سید باقر، فرخزاد جهانی (۱۳۹۰)، رژیم حقوقی بهره برداری از میادین مشترک نفت و گاز در خلیج فارس از منظر حقوق بین الملل، فصلنامه راهبرد، ۱۳۹۰، شماره ۶۱.

نوری، محمد (۱۳۸۷)، مدیریت قراردادهای نفت و گاز مخازن مشترک در حقوق بین الملل، ۱۳۸۷

[http:// icms Bhgfa.com](http://icms Bhgfa.com)

David M., Ong, Joint Development Of Common Offshore Oiland Gas Deposits: Mere States Practice or Customary International law, ۱۹۹۹.

Gunther Jaenike, “ Law of the sea”, in: Bernhardt (ed), Encyclopedia of public international law, [Instalment ۱۱ (۱۹۸۹)].

Miyoshi, Masahiro, “the Basic Concept of Joint Development of Hydrocarbon Resources on the Continental Shelf”, International Journal of Estuarine and coastal Law, vol. ۳, ۱۹۹۹.

Peter Radan, the Break-up of Yugoslavia and International Law, New York.Rout Ledge, ۲۰۰۶.

Seling s. Harisson, sea bed petroleum in the north east Asia: conflict or cooperation? Woodraw International cernter for scolars ۲۰۰۶.

Rainer, Lagoni, Oli and Gas Across National Frontiers Neutral Frontiers. AJIL, Vol. ۷۳, ۱۹۷۹